

تجزیه و تحلیل اسامی اعلام در گلستان سعدی

م.م. جواد محمد علی صالح

معهد آسیا و آفریقا فی تبیلیسی - جورجیا

تجزیه و تحلیل اسامی اعلام (اسامی اشخاص) که در کتاب گلستان سعدی ذکر شده است..

شیخ سعدی یکی از بزرگترین شاعران تاریخ ایران مسحوب میشود ، اسم او مشرف الدین مصلح بن عبد الله و شهرت او به شیخ سعدی است او یکی از ستاره های قدر اول ادب ایرانست که نظم و نثر و بدیع او زبان فارسی را با عالی درجت فصاحت رسانید

ولادت شیخ در شیراز از اواخر قرن ششم هجری و وفات وی اواخر قرن هفتم ذکر شده است .

وی مؤلفات کثیری داشت و مهمترین آنها بوستان و گلستان میباشد ، وی کتاب گلستان را در سال 656 هـ تصنیف کرده.

شیخ در این کتاب که عبارت است از هشت باب تجزیه های فراوان و متنوع بصورت جالب و دلچسپ نمایان است .

بنده در مقاله که در دسترس شما است به تحلیل و تجزیه و معرفی اسامی اعلام منضور بنده اسامی اشخاص که در مندرجات کتاب گلستان ذکر شده اند پرداخته ام در این مقاله ینچاه و نه اسم جمع کردم از مندرجات کتاب گلستان ، و آنها را توضیح و تحلیل کردم اینک به معرفی و تجزیه این اسامی میپردازم .

آدم : در اصل کلمه عبری است بمعنی انسان نخستین پدر نوع بشر است ، معادل گیومرت ایرانیان ، خداوند وی را خلق کرد و در بهشت جای داد و چون ادم سیب یاگندم - که ممنوع بود - خورد و از بهشت اخراج شد .

آغلمش : از ممالیک ترک اتابکان آذربایجان بود که از اطراف اتابک ازیب بن محمد بن ایلدگر از سال 611 تا 614 در بلاد جبال همدان و ری و اصفهان حکومت میکرد .. این محل اقامت و مرکز حکومت آغلمش و

سایر ممالیک ترک اتابکان اذربایجان که اغلمش آخرین ها بود.

آذر: پدر به قولی عمومی ابراهیم (ع) که دعوت ابراهیم نشنید و دریت پرستی باقی ماند .

آیاز: اسم یکی از بندگان سلطان محمود غزنوی که سلطان به او میل و محبت بسیارداشت .

ابو بکر بن ابی نصر: امیر فخر الدین ابو بکر بن ابو نصر حواجی است که ابتدا جزء حواجیان مطبح اتابک بود، سپی ترقی کرد تا بتدریج به وزارت رسید ، انسان خیلی دیندار بود و بین 658 تا 661 درگذشته.

ابو هریره: کنیه یکی از اصحاب پیغمبر (ص) که به سال 57 ، 58 ویا 59 هـ ق درگذشت وچون گریه دوست بود وروزی پیغمبر او را دیدکه بچه گریه ای دارد دردامن فرمود انت ابو هریره .

احمد حسن میمندی: مقصود احمد بن حسن میمندی وزیر معروف سلطان محمود غزنوی(از 404 تا 415 هـ ق) و مسعود غزنوی (422 تا 424 هـ ق) که درسال 424 درگذشت نسب او به میمند است که قصبه ای است درغزنین.

اردشیر بابکان: اردشیر فرزند بابک نخستین پادشاه ساسانی وپایگذار ان سلسله که از 224 تا 241 م فرما نروای کرد . اردشیر اسم مرکب است از ارتا (در اوستا آشا) بمعنی حقیقت یا درستی و جزء دوم ان از ریشه خشای بمعنی توانگری یا حکومت ، در فارسی میانه اردخشیر ، در فارسی کنونی اردشیر بابکان درفارسی امروزی درفارسی میانه پاپکان آن پسوند یعنی یسر بابک ، پاک یعنی پدر اک: پسوند.

اسکندر مقدونی: اسکندر روحی ، اسکندر مقدونی که از 336 تا 323 پیش از میلاد سلطنت کرد وبه جهانگیری مشهور است.

اصحاب کهف: اصحاب کهف (یارن غار) بنا بر مشهور 7 تن خدا پرست بودند که در زمان دقیوس (DECIEUS)دقیانوس امپراطور روم(249-251م) که به ازار خدا پرستان شهرت دارد . به بیابانی او نهادند ، به خواست خدا چند سال به خواب رفتند به فرمان خدا بیدار شدند

انو شیروان : جاویدان لقب خسرو اول پادشاه معروف ساسانی (579 - 531 م) ... در اوستا (اناوشا اوران)
: اناوشا بمعنی کسی که نمیمیرد (جاوید) ... اوران بمعنی روان (جان) ... فارسی جدید انو شیروان فردوسی
از واژه (انو شیروان) در شاهنامه استفاده میکند.

انوری : اوحد الدین اوری ابیوردی از شعران مشهور فارسی زبان در قرن ششم هجری .

بزرجمهر : وزیر مشهور انو شیروان ... معرب بزرگمهر این اسم مرکب از بزرگ و مهر : در فارسی میانه
مهر ، قدیم : میترا ، پاستان میسرا ، اوستا میژا ، هندی پاستان میژا بمعنی دوستی ، عشق ، کلمه مرکب
بمعنی (دوست بزرگ) .

بهرام گور : پادشاه معروف ساسانی (438- 421) م که چون به شکار گورخر علاقه فراوان داشت به بهرام
گور شهرت یافته است . شکل قدیم بهرام فریتزاغتا بمعنی خدای پیروزی (مارس)، فارسی میانه فرتداغن ،
فراخران در ارمنی فاخاگن .

تتر ، تاتاری ، مغولی : نام یکی از قبایل مغولی که وحشی و زرد پوست وساکن آسیای شمالی بودند ، پس از
تسلط یافتن جنگیز برایشان نام این طایفه برهمه قبایل زردپوست زیر فرمان جنگیز اطلاق شده و در آغاز
حمله مغول نام عمومی مغولان بوده (فرهنگ فارسی) .

جالینوس : پزشک مشهور یونانی (131 - حدود 201 م) که در تشریح کشفیات مهمی داشته و نیز نکته آموزی
از او نقل کرده اند .

جمشید : از پادشاه سلسله پیشدادی که درداستانها کهن ایران مشهور است . مرکب است از ایما شاهنشاه
ایرانی افسانه ای در هندی باستان یما ، پارسی باستان : یاما هخشایتا ، فارسی امروزی جمشید جزء دوم
هخشایتا از خشای : توانگری حکومت

جوینی : شمس الدین محمد جوینی (برادر علاء الدین عطا ملک جوینی) وزیر معروف هولاکو وایقا و
تکودار ، ایلخان مغول ، که به سال 683 کشته شد ، وی نسبت به سعدی علاقه و احترام داشت سعدی باره ها
اورا ستوده (سعدینامه) .

حاتم طائی : از قبیله طی در جاهلیت که به جوانمردی و بخشندگی معروف بوده است و به او مثل میزده اند

حجاج بن یوسف : حجاج بن یوسف الثقفی والی حجاز و عراق در عهد بنی امیه که بسبب سختگیری در ستمگری معروف است و به سال 95 هـ ق مرد.

حفصه : نام زوجه پیغمبر (ص) و دختر عمر بن خطاب.

خصیب : اسم والی مصر وقت هارون الرشید این بفرمان هارون والی مصر شد ، به گفته کتاب (اثار البلاد ، قزوینی) هارون پس از ناراحتی از فرعون خواست تا شخص را بجویند که هرچه پستر باشد ، بعد خصیب را برای وی معرفی کردند که او را والی مصر کرد ولی او حسن رفتار و بخشندگی از خود نشان داد در حکومت

خفاجه : نام گروهی از اعراب که به راهزنی و غارت کاروانها می پرداخته است.

ذوالنون مصری : ابو الفیض (ابو الفیاض) ذو النون از عارفان مشهور که به سال 246 هـ ق درگذشته دربوستان نیز حکایتی درباره او آمده است.

رستم : رستم نام پهلوان معروف که در حماسه فردوسی ذکر شده است.

زال : پدر رستم و پسر سام.

زمخشری : جار الله ابو القاسم محمود بن عمر (538 – 467) هـ ق ، دانشمند ایرانی در ادب و لغت عرب و حدیث و تفسیر منسوب به زمخشر از ابادیهای خوارزم وی کتابی در نحو به نام المفصل فی صناعه الاعراب نوشته.

زینب : نام دو زوجه پیغمبر (ص) یکی دختر خزیمه و دیگری دختر جحش.

سحبان وائل : سحبان بن زفر وائلی معروف به سحبان وائل (از قبیله وائل) خطیب مشهور عرب که در

فصاحت بی نظیر بود در سال 54 هـ درگذشته..

سعد بن ابی بکر: سعد پسر اتابک بزرگ مقصود اتابک مظفر الدین سعد بن ابی بکر سعد زنگی که در هفدهم جمادی الاخری سال 658 دوازده روز پس از وفات پدر که خطبه و سکه به نام او شده بوده ، در گذشت .

سلیمان (ع): سلیمان بن داود از انبیای بنی اسرائیل و سعت ملّک سلیمان معروف و مثل بوده است ، در کتابهای قدیم مقصود از (ملک سلیمان) سرزمین فارسی بوده است.

صخر الجن: نام دیوی مشهور به زشتی بود که با حيله گر انگشتر سلیمان بن داود را ربود وچندی بر نیروی ان بر مملکت او فرمانروای کرد نا باز انگشتر به دست سلیمان رسید و بر تخت نشست.

ضحاك: پادشاه ضحاك ، ضحاك معرب اژدهاك نام پادشاه باستانی که پس از جمشید در ایران به سلطنت دست یافت واهریمن اورا فریفت و بیداد وستم پرداخت به دست کاوه و فریدون از پا دشاهی برکنار و گرفتار شد...بمعنی مار اوستا دهاکا بعض فکر میکنند که این شاه افسانه ای است هندی پاستان : داسا در اوستا اژ پداهاکا ، در فارسی جدید اژدها.

عبد القادر گیلانی: عارف مشهور (561 – 471 هـ) پیشوای سلسله قادریه از صوفیان که در بغداد وعظ میکرد ، وی از بزرگان صوفیه و مشایخ طریقت و مؤسس مذهب قادریه است . در فقه تالیفات دارد مثل طریق الحق ، فتوح الغیب ، ملفوظات قادریه الخ.

علی (ع): علی ابن ابی طالب امام اول شیعیان و خلیفه چهارم از خلفای راشدین که دوره خلافت از 35 – 40 هـ ق بوده است پسرعمو و داماد پیغمبر (ص) ولادت حدود 598 م و شهادت وی 661 م بوده است.

عمرو: این نام به عنوان مثال در گلستان آمده ، در یک جمله نحوی که در مقدمه نحو زمخشری (ضرب زید عمرا وکان المعتدی عمرو) زید عمرو زد و عمرو ستمدیده ضمن یکی از داستانهای گلستان آمده است.

عمرو لیث: برادر یعقوب صفاری و جانشین او که از 265 تا 287 هـ ق حکومت کرده است ، عمرو پسر لیث بوده.

عیسی (ع) : پیغمبر مسیحیان و پسر مریم است ، ولادت وی در بیت لحم بوده است.

غزالی : حجه الاسلام محمد غزالی محمد بن محمد بن احمد طوسی مکنی به ابو حامد دانشمند معروف 450 (505- هـ ق) در سال 484 هـ نظام الملك تدریسی مدرسه نظامیه را به وی تفویض کرد غزالی 4 سال به این کار اشتغال داشت.

فرعون : لقب دیدین فرمانروا و سلطان که در سزرمین مصر حکومت میکردند.

فریدون : پادشاه پیشدادی و شخصیت مشهور داستانی در شاهنامه خود که ضحاک را از پاندر آورد ... در فارسی قدیم ترا ایتونا (گرد) گرد بود وبر ضحاک پیروز شد .

قارون : مردی از بنی اسرائیل و معاصر و مخالف موسی (ع) که به ثروتمندی مشهور و ضرب المثل است ... به نفرین موسی (ع) خداوند زلزله ای پدید آورد که قارون و خانه و گنجش در زیر زمین مدفون شدند ، رک به قرآن کریم سوره قصص ایه های 76 ، 79 ، 81 .

کنعان : نام پسر نوح که در واقعه طوفان از فرمان پدر پیروی نکرد و سوار کشتی نشد و غرق شد . کنعان رانام پسر سام بن نوح نیز نوشته اند مقصود از آنکه در (گلستان) کنعان چون خود فضیلتی نداشت فرزند پیامبر بودن براو چیزی نیفزود.

گوهر : منظور در گلستان اسم دختر . اما در لغت بمعنی سنگ گران بها بمعنی تخمه این معنی از دوره ساسانی آمده ، هندی پاستان کوترا ، پارس جدید گوهر ، ارمنی : اسم خاص است.

لقمان : مردی دانا که بنابر روایات اسلامی حبشی بود ، و در زمان داود میزیسته و امثال و حکم بسیار از قول وی نقل کردند.

لوط (ع) : از پیا مبران بنی اسرائیل که قوم او بفساد گرویدند و نابود شدند.

لیلی : معشوقه قیس (مجنون) که داستان مشهوری دارند.

مجنون : دلغت مجنون یعنی دیوانه اما مقصود از مجنون اینجا قیس عامری است که عاشق لیلی بود و چون پدر و مادر لیلی با دیدار و پیوند آن با لیلی موافق نبودند ، قیس دیوانه شد.

محمد صلی الله علیه و اله و سلم : خاتم الانبیاء و رسول الموحدین پیامبر اسلام – ولادت او 571 م ، وفات وی 11 هـ بود ، پدر وی عبد الله و مادرش آمنه بودند ، در جهل سالگی بعد از نزول وحی پیغمبر خدا شد و مردم را به اسلام دعوت نمود.

محمود سبکتکین : سلطان محمود غزنوی پسر سبکتکین ، که از 389 تا 421 هـ ق فرمانروای داشت و جنگها و پیروزیها و وسعت قلمرو و حکومت او معروف است.

جوینی : سلطان علاء الدین محمد خوارزمشاه 617 – 596 هـ ق از سلسله خوارزمشاهیان که گرفتار حمله مغول شد و شکست خورد.

موسی (ع) : از انبیای بنی اسرائیل به کلیم الله شهرت یافته و در زمان فرعون بدنیا آمد ، عمر موسی صدویست سال نوشته اند.

هارون الرشید : خلیفه معروف عباسی (ولادت – 148 وفات 193 هـ ق) بزرگترین خلیفه عباسی ، در سال 170 هـ ق پس از هادی به خلافت رسید .

هامان : وزیر معروف فرعون برحسب روایات اسلامی و قرآن کریم . هرمز ساسانی : منصور (درگلستان) هرمز چهارم پسر انوشیروان از پادشاهان ساسانی که از 579 تا 590 م پادشاهی کرد ، زمان او ایرانیان با رومیان و ترک میجنگیدند ، هرمز بدست یکی از سرداران خود زندانی و کشته شد.

همسر لوط : لوط همانکه ذکر شد از پیامبران بنی اسرائیل بود و زنش نا فرمان و کافر بود و کیفر داد.

یحیی (ع) : فرزند زکریا (ع) از پیغمبران بنی اسرائیل که در قرآن (سوره ال عمران ایه 39) از تولد او

یادشده است . یحیی ظهور عیسی را بشارت داد و چون انحضرت را تعمید داده به یحیی تعمید دهنده شهرت یافته است .

یوسف (ع) : فرزند یعقوب پیغمبر (ع) که به زیبائی وی مثل است ، مادر او راحیل بود . مدت فرمانروای (عزیز) کشور مصر را بدست داشت .

یونس (ع) : نام یکی از انبیای بنی اسرائیل (پسرمتی) که به صاحب الحوت شهرت یافته بدلیل داستان معروف ماندن او در شکم نهنگ 3 روز .

ماخذ و منابع که در نوشتن این مقاله از آن استفاده شده:

- 1-Hübschmann , Armenische Grammatik , I , Hildesheim ,1962.
- 2.M . mayrhofer , iranishes personennamenbuch , I , fasc . , altpersischen namen , wein , 1979 .
3. Kârnâmak I ArtaxŠēr I pâpaken , tb, 1975
4. اشخاص داستان در گلستان سعدی , دکتور جلال متینی , دانشگاه شیراز 1352
ص303 - ص319.
5. دائره المعارف الفارسی , به سرپرستی دکتور غلامحسین مصاحب , دو جلد , تهران 1345 هـ ش.
6. سعدی نامه , مجله تعلیم و تربیت , بهمن - اسفند 1316.
7. فرهنگ فارسی , دکتور معین , شش جلد , تهران , امیر کبیر 1342 - 1352 هـ ش.
8. قلمرو سعدی , علی دشتی , تهران , امیر کبیر 1338 , چاپ پنجم 1356 هـ ش .
9. گلستان , تصحیح غلامحسین یوسفی , تهران 1365 هـ ش.
10. گلستان , بکوشش سعید نفیسی تهران 1341 هـ ش .

11. لغت نامه ، علی اکبر دهخدا ،جلدهای مختلف 1325 ه ش.

Summary

Sheikh Saadi al shirazi is consider as one of the most great Iranian poet through history. This poet has managed to leave his profound stamp on the development of poetry in Iran. The poet has many works the most important are the two books (Ggolistan and Bostan) .

His book Golistan is considered as one of the most excellent and very interesting book wich contain a lot of historical Prpor names and dramatical events .

In my humble article I assembled all the names of the peoples (59 names) that appeared in the book .I provided their definitions and I have analyzed them as far as their meaning and grammatical structure are concerned and I also showed the origin and the root of some important Proper names for example(اردشیر ardashir , بابکان babakan , bezurgmehr بزرگمهر).....etc .